منبع‌شناسی سکه‌های پارس در دوره‌ی یونانی مآبی

دکتر خداداد رضاخانی
دانشکده‌ی مطالعات اقتصاد، لندن

مطالعـه‌ی تاریـخ ایـران در دوران پـس از حملـه و فتوحـات **اسـکندر مقدونی** همـواره از کمبـود منابـع دسـت اول در مضیقه بوده اسـت. در مقایسـه با تاریخ دوره‌ی هخامنشـی که از منابعی مانند نوشـته‌های مورخان یونانی بهره می‌برد و تا حدی از طریق کتیبه‌های شاهنشـاهان هخامنشـی برای ما شـناخته شـده اسـت، تاریـخ دوره‌ی بعد از **اسـکندر**، دورانی که معمـولا از آن به عنوان دوره‌ی «هلِنیسـم» یـا «یونانی‌مآبی» یاد می‌شـود، از بیش‌تر این منابع محروم اسـت. نوشـته‌های مورخانـی ماننـد **یوسـتینوس**[۱] یـا **آریانوس**[۲] کـه در مـورد دوره‌ی بعـد از **اسـکندر** مطالبـی ثبـت کرده‌انـد، اکثـرا یـا فقط بـه صـورت پراکنده و قطعه‌قطعـه به دسـت ما رسـیده‌اند، یـا بخش‌هایی از نوشـته‌های آن‌هـا که در مـورد ایران اسـت، به‌کل از دسـت رفته اسـت. حتی در مـواردی که مطالبی در دسـت داریم، تاریخ نوشـته شـدن آن‌ها به صدها سـال بعد از دوره‌ای که اتفاق افتاده‌انـد بازمی‌گـردد و کامـلا قابل اطمینان نیسـت.

ایـن وضعیـت که در مورد تاریخ ایران در دوره‌ی سـلوکی و اشـکانی (که تقریبا مطابـق بـا دوره‌ی یونانی‌مآبی در ایران اسـت) وجـود دارد، در صورت مطالعه‌ی تاریـخ مناطق کوچک‌تـری مانند حکومت‌های نیمه‌مسـتقل خاراکِـن، الیمایی و پارس/پِرسـیس پیچیده‌تـر نیـز می‌شـود. تواریـخ ایـن حکومت‌هـای محلی عمدتـا فقط از طریق اشـاراتی اندک به شـاهان مهم‌تر سلسـله‌های حکومتگر آن‌ها شـناخته شـده اسـت، و اکثر این اشـارات نیز بـه دلیل دور بـودن مورخان مـورد بحـث از منطقـه، غیردقیـق و سـردرگم‌کننده هسـتند.[۳] به همیـن دلیل اسـت کـه در عـرض چنـد دهـه‌ی گذشـته، مورخـان بـرای بازسـازی تاریـخ مناطقـی ماننـد پـارس در دوره‌ی یونانی‌مآبـی، بیش‌تـر متوجـه منابـع اولیه‌ی قابـل دسـترس محلـی هسـتند. بـدون شـک، مهم‌تریـن و مفیدتریـن ایـن منابـع محلـی، سـکه‌های ضـرب شـده از طرف شـاهان محلی پارس هسـتند کـه امـروزه بـه منبـع اصلی ما بـرای شـناخت تاریخ ایـن منطقه بدل شـده‌اند. شـناخت تاریـخ محلی پارس، نه‌تنهـا برای افزایـش آگاهی ما از تاریـخ دوره‌ی یونانی‌مآبـی در ایران مهم اسـت، بلکـه از ملزومات درک بهتر تاریخ سلسـله‌ی ساسـانی نیـز اسـت کـه بیـن قرن‌هـای سـوم و هفتـم میـلادی بر سـرزمین وسـیعی در خاورمیانـه حکومت می‌کرد، زیرا مسـقط‌الرأس ساسـانیان در پارس بـود و تاریـخ خاندان ساسـانی بسـتگی‌های نزدیکی با خاندان‌هـای حکومتگر پارس دارد.[۴]

کشـف سـکه‌های پارس بـه حفاری‌های باستان‌شناسـی قرن نوزدهـم و اوایل قـرن بیسـتم بازمی‌گـردد کـه طـی آن، سـکه‌های چهاردرهمـی، دودرهمـی،

بدون شک، مهم‌ترین و مفیدترین این منابع محلی، سکه‌های ضرب شده از طرف شاهان محلی پارس هستند که امروزه به منبع اصلی ما برای شناخت تاریخ این منطقه بدل شده‌اند

و اکثرا یک‌درهمی و نیم‌درهمی در مناطقی مانند شوش در خوزستان و حومه‌ی تخت‌جمشید و استخر در پارس کشف شدند. بخشی از این سکه‌ها توسط محققان انگلیسی که به دلایل سیاسی در ایران حضور داشتند و با علم سکه‌شناسی آشنایی داشتند جمع‌آوری شده بودند. تعدادی از آن‌ها نیز توسط **ژاک دمرگان**، باستان‌شناس فرانسوی که در شوش مشغول حفاری بود، کشف شدند. یکی از محققان فرانسوی، و سرهنگ سابق ارتش فرانسه، به نام **آلوت دلافوی** در سال ۱۹۰۶ دست به تألیف مقاله‌ای درباره‌ی سکه‌های پارس زد که اولین تلاش برای دسته‌بندی این سکه‌هاست. اولین کاتالوگ کامل تعدادی از این سکه‌ها که در اختیار موزه‌ی بریتانیا بودند توسط **جرج هیل** در جلد ۲۸ کاتالوگ سکه‌های یونانی موزه‌ی بریتانیا، بخش «عربستان، بین‌النهرین، و ایران» در سال ۱۹۲۲ منتشر شد.[5] در این کاتالوگ، **هیل** که سکه‌شناس برجسته و قابل‌اطمینانی بود، با تکیه بر مقاله‌ی **دلافوی**، سکه‌های در دسترس را طبقه‌بندی کرد و در خواندن کتیبه‌های روی آن‌ها کوشش نمود؛ کوششی که تا حد زیادی موفقیت‌آمیز بود و امروزه هم یکی از پایه‌های اصلی دانش ما از سکه‌شناسی پارس است.

هیل سکه‌های پارس را به چهار دوره تقسیم می‌کند که سه دوره‌ی اول بر مبنای دسته‌بندی **دلافوی** هستند و از سکه‌های **بَغداد/بَگَداتِس** آغاز می‌شوند. سکه‌های دوره‌ی اول که امروزه به نام سکه‌های «فرَتَرَکه»[6] شناخته می‌شوند، به دلیل وجود این لقب نظامی هخامنشی در پشت آن‌ها، با **بَغداد** شروع می‌شوند و به **وادفرَدات/اوتوفراداتِس اول** ختم می‌گردند. دوره‌ی دوم (بر مبنای دسته‌بندی **هیل**) از سکه‌هایی که عنوان فرَتَرَکه در آن‌ها به «مَلکا» (معادل آرامی «شاه») تغییر کرده شروع می‌شود. با توجه به این که **هیل** و **دلافوی** موفق به خواندن نام روی سکه‌ها نشده بودند و تنها در گروه دوم آن‌ها، به نام «**داریو**» برخورد کرده بودند، این گروه از سکه‌ها در کاتالوگ اولیه بالنسبه نامرتب هستند. دوره‌ی سوم، به گفته‌ی **هیل**، با فتح پارس توسط **مهرداد اول اشکانی** شروع می‌شود و تأثیر خاص سکه‌های اشکانی را در آن‌ها می‌توان دید. این دوره با سکه‌های **داریوش دوم** آغاز می‌شود و با سکه‌های **وادفرَدات/اوتوفراداتِس** دوم پایان می‌پذیرد. تا این مرحله‌ی دسته‌بندی سکه‌ها، تأثیر **دلافوی** در کار **هیل** مشخص است. اما از آن‌جا که **دلافوی** به سکه‌های بعدی توجهی نکرده بود، **هیل** دوره‌ی چهارمی را که از سکه‌های **نَمویت** آغاز می‌شود و به سکه‌های **اردشیر چهارم**، پسر **منوچهر سوم**، ختم می‌گردد نیز در نظر می‌گیرد و در خواندن نوشته‌های روی این سکه‌ها، از کارهای **مورتمان** و **یوستی**[7] (دانشمندان آلمانی‌زبان) بهره می‌برد؛ هرچند که قرائت **هیل** در خواندن نام‌ها (مانند کَپات به جای نَپات) بعدا توسط دانشمندان دیگر تصحیح خواهد شد.

تقریبا هم‌زمان با انتشار کاتالوگ **هیل**، **ژاک دمرگان** نیز کتابی تحقیقی در مورد سکه‌شناسی منطقه‌ی خاورمیانه در دوران باستان و قرون وسطی منتشر کرد که در آن، تعدادی از سکه‌های مکشوفه از منطقه‌ی خوزستان که به سلسله‌ی شاهان پارس تعلق داشتند نیز وجود داشت.[8] ترتیب شاهان در کاتالوگ **دمرگان** بسیار شبیه کاتالوگ **هیل** است و مبنای هر دو، دسته‌بندی **دلافوی** بوده است. قرائت **دمرگان** از سکه‌ها بعضا متفاوت است و برای مثال، در روی سکه‌های **بَغداد** نام کسی را که حدس می‌زند پدر **بَغداد** باشد «**بَغکَرد/بَگَکَرت**» می‌خواند که در جای دیگری خوانده نشده است. کاتالوگ **دمرگان** به‌خصوص به خاطر به دست دادن سکه‌هایی که در اختیار مجموعه‌های فرانسوی است، و طراحی دقیق آن‌ها، اهمیت خاصی دارد. از جمله مختصات کاتالوگ **دمرگان** قرائت نام‌هایی مانند «**اسکندر**» و «**پیروز**» بر روی سکه‌هاست که بعدها کاملا رد شدند.

بعد از انتشار کاتالوگ‌های **دمرگان و هیل**، تا چندین دهه کاتالوگ کاملی از سکه‌های پارس به دست نشر سپرده نشد. تحقیقات در این دوره محدود به بررسی موارد خاص و کشفیات تازه بود، از جمله مجموعه‌ای از سکه‌ها که توسط **هِرتسفِلد** در اطراف تخت‌جمشید یافت شده بود.[9] حفاری‌های بعدی نیز به کشف تعداد بیش‌تری از سکه‌های پارسی منجر شد.[10] در سال ۱۹۷۳، کاتالوگی از پشته–سکه‌های مکشوفه که شامل سکه‌های پارس نیز می‌شدند، در مجموعه‌ای از سکه‌های یونانی به چاپ رسید.[11] سکه‌های پارس در مجموعه‌ی منتشر شده از سوی **میچینر**[12] نیز منتشر شدند، و در سال ۱۹۸۳، سکه‌شناس بزرگ اتریشی، **روبرت گوبل**، یادداشتی درباره‌ی سکه‌شناسی پارس منتشر کرد.[13] **دیوید سِلوود**، سکه‌شناس انگلیسی که نوشته‌هایش در مورد سکه‌های اشکانی زیربنای سکه‌شناسی اشکانی محسوب می‌شود، در مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج نیز گفتاری در مورد سکه‌های خاراکِن، الیمایی و پارس منتشر کرد که بیش‌تر ارتباط این سکه‌ها را با سکه‌های سلوکی و اشکانی تحت توجه قرار داد.[14]

می‌توان گفت که پایه‌گذار مطالعه‌ی سکه‌های پارس در دوران اخیر، دانشجوی سابق **گوبل** و استاد مسلم سکه‌شناسی دوره‌ی قبل از اسلام ایران، **میشائل آلرام**، استاد دانشگاه وین و رئیس کنونی انجمن سکه‌شناسی اتریش، است. در سال ۱۹۸۶، **آلرام** مجلد بزرگی را تحت عنوان نام‌های خاص ایرانی در سکه‌ها به عنوان بخشی از طرح «نام‌های خاص ایرانیِ»

دو نظریه‌ی کلی برای تاریخ شروع ضرب سکه‌های پارس وجود دارد. یکی از آن‌ها «تاریخ متقدم» نام دارد و از حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود، و دیگری «تاریخ متأخر» است که از حدود سال ۱۴۰ قبل از میلاد شروع می‌شود

منبع‌شناسی

مرکز ایران‌شناسی اتریش منتشر کرد که در آن، بررسی کاملی از همه‌ی سکه‌هایی که ضرب‌کننده‌ی آن‌ها نامی با ریشه‌ی ایرانی داشته‌اند ارائه کرده است. **آلرام** در این کتاب، بررسی جدیدی از سکه‌های پارس ارائه داده و با توجه به گذشت شش دهه از دوران **هیل** و **دمرگان**، توانسته است بر کشفیات سکه‌های جدید تکیه کند و اولین بررسی بالنسبه کامل از سکه‌های پارس را ارائه دهد.[۱۵] کاتالوگ **آلرام** بر مبنای ترتیبی بود که **هیل** و **دمرگان**، به پیروی از **دلافوی**، ارائه داده بودند و تا آن زمان معیار محسوب می‌شد. با وجود این، **آلرام** با دقت سکه‌ها را دسته‌بندی کرد، قرائت‌های جدیدی از نوشته‌های رو و پشت سکه‌ها انجام داد، و طبقه‌بندی جدیدی از سکه بر مبنای شاخصه‌های هنری ارائه کرد.

سکه‌شناسی پارس بعد از انتشار این کاتالوگ صورت جدّی‌تری به خود گرفت و امکان ارائه‌ی فرضیه‌ها و برداشت‌های جدید پیش آمد.[۱۶] خود **آلرام** کسی بود که اولین مقاله را در مورد سکه‌ای تازه یافت شده از **وَهبَرز** منتشر کرد و در آن، دسته‌بندی خود را مبنا قرار داد.[۱۷] اثر **یوزِف ویسِهوفِر** به نام «قرون تاریک تاریخ پارس» با استفاده از مدارک تاریخی مورد دسترس و سکه‌های پارس، سعی در ارائه‌ی چارچوبی تاریخی برای این منطقه دارد.[۱۸] کشف یک جام نوشیدنی که نام **اردشیر دوم** و **داریو** بر روی آن ثبت شده بود، مطالعه و مقایسه بین انواع مختلف مدارک غیرنوشتاری را ممکن کرد. **شِروو** در مقاله‌ای که در مورد این جام نوشت، قرائت **آلرام** را از نام «داریو»[۱۹] تصحیح کرد و توصیه نمود که باید نام را «دارایان» خواند.[۲۰] از جمله مهم‌ترین مطالعات در مورد مدارک غیرسکه‌شناختی و خوانش آن‌ها با نتایج به دست آمده از سکه‌ها، مقاله‌ی مهم **پیِرفرانچِسکو کالّیِری** در مورد نقش‌های سوزنی روی دیوار عمارت حرمسرا/خزانه‌ی تخت‌جمشید است. پس از مقایسه‌ی این نقش‌ها با تصاویر روی سکه‌های اواخر دوره‌ی پارس، **کالّیِری** و بقیه‌ی دانشمندان به این نتیجه رسیدند که این نقش‌ها در دوره‌ای نزدیک به پایان دوران اشکانی و بلافاصله قبل از تأسیس سلسله‌ی ساسانی نقر شده‌اند و نشان‌دهنده‌ی **بابک**، پدر **اردشیر بابکان**، و پسرش **شاپور**، برادر بزرگ‌تر **اردشیر** و شاه پارس، هستند.[۲۱]

در سال ۲۰۰۸، **اولیور هووِر** در نوشته‌ای به این مطلب اشاره کرد که ممکن است **بَغداد** اولین شاه پارس نباشد که از او سکه در دست داریم.[۲۲] در این مقاله، بر مبنای بررسی دقیق سکه‌های پارس و ضرب دوباره‌ی آن‌ها بر روی سکه‌های سلوکی، **هووِر** به این نتیجه می‌رسد که احتمالا اولین فرَتَرَکه‌ی پارس، **اردشیر اول** باشد که اولین سکه‌های خود را روی سکه‌های حاکمان سلوکی ضرب کرده است. به گفته‌ی **هووِر**، بعد از **اردشیر**، **وَهبَرز** به حکومت می‌رسد و بعد از او، **بَغداد** عنوان فرَتَرَکه را دریافت می‌کند.[۲۳] اما **وِستا سرخوش** با بررسی بیش‌تر مدارک و با توجه به گفته‌ی **هووِر**، احتمال می‌دهد که **وَهبَرز** و **بَغداد** شاهان هم‌زمان و رقیب یکدیگر بوده‌اند که حتی در مرحله‌ای، روی سکه‌های یکدیگر، سکه ضرب کرده‌اند.[۲۴]

مسأله‌ی مهم دیگر در مورد سکه‌های پارس، تاریخ شروع ضرب آن‌هاست که دانشمندان زیادی را به خود مشغول کرده است. دو نظریه‌ی کلی برای تاریخ شروع ضرب سکه‌های پارس وجود دارد. یکی از آن‌ها «تاریخ متقدم» نام دارد و از حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود، و دیگری «تاریخ متأخر» است که از حدود سال ۱۴۰ قبل از میلاد شروع می‌شود. نظریه‌ی تاریخ متقدم به دلیل نبودن هیچ گونه نوشته‌ی یونانی بر روی سکه‌های پارس، بر خلاف نمونه‌های الیمایی یا خاراکِن، بر این است که ضرب این گونه سکه‌ها در مرحله‌ای قدیمی‌تر و قبل از ریشه دواندن یونانی‌مآبی در ایران آغاز شده است. این نظریه‌ای بود که **هیل** در کتابش به آن پرداخت و از طرف دانشمندانی مانند **هووِر** و **سرخوش** نیز مورد حمایت قرار گرفته است. **دیتریش کلوزه**[۲۵] و **ویلهِلم موزِلر**[۲۶] از جمله سکه‌شناسانی هستند که بر مبنای نزدیکی سبک سکه‌های اولیه‌ی پارس با سکه‌های نخستین سلوکی، از طرفداران نظریه‌ی «تاریخ متقدم» هستند.

اما نظریه‌ی تاریخ متأخر که از طرف **آلرام** در سال ۱۹۸۶ ارائه شد بر این مبناست که هیچ گونه انقطاعی در ضرب سکه‌های پارس دیده نمی‌شود و این سکه‌ها از زمان شروع (**بَغداد** یا **اردشیر اول**) تا پایان، یعنی حکومت **اردشیر چهارم** (و **بابک** و **شاپور ساسانی**)، همه بخشی از یک مجموعه‌ی پیوسته هستند. اما اگر بخواهیم تاریخ متقدم را با مسأله‌ی پیوستگی نقش و سبک سکه‌ها منطبق کنیم، نمی‌توانیم برای مدتی حدود ۵۰۰ سال (یعنی از ۲۵۰ قبل از میلاد تا حدود ۲۱۰ بعد از میلاد) به قدر کافی سکه بیابیم. از این‌جاست که **آلرام** پیشنهاد می‌کند که مانند سکه‌های الیمایی و خاراکِن، ضرب سکه‌های پارس از اواسط قرن دوم قبل از میلاد شروع شده است. نظریه‌ی تاریخ متأخر از طرف دانشمندانی مانند **کالّیِری**، **هرینک**، و **اُورلت**[۲۷] تصدیق می‌شود، و بر مبنای این نظریه **ویسِهوفِر** سعی در بازسازی تاریخ پارس در دوره‌ی یونانی‌مآبی کرد.

از زمان نشر کتاب **آلرام**، کاتالوگ کاملی از سکه‌های پارس منتشر نشده است. در سال ۲۰۰۸ **کلوزه** و **موزِلر** کاتالوگ کوچک، اما کاملی، از سکه‌های پارس در «مجموعه‌ی ایالتی سکه‌ها» در مونیخ منتشر کردند که شامل بسیاری از نظریات آن‌ها در مقالات و کتاب‌های قبلی‌شان، از جمله برداشت

آن‌ها از مسأله‌ی تاریخ ضرب سکه‌ها، بود.[۲۸] این کتاب امروزه، به همراه کتاب **آلرام**، مرجع اصلی مطالعه در مورد سکه‌های پارس شناخته می‌شود. از دانشمندان دیگری که در مورد جنبه‌های مختلف سکه‌های پارس مطالعاتی انجام داده‌اند می‌توان از **آنتونیو پانائینو**،[۲۹] **هاوتون و لوربِر**،[۳۰] و **نَستر**[۳۱] نام برد که هرکدام در مورد جنبه‌های مختلفی از سبک و پیکرنگاری سکه‌های پارس پژوهش کرده‌اند. سکه‌شناسی پارس و ارتباط سکه‌های پارس با سکه‌های اشکانی و سکه‌های دیگر سرزمین‌های یونانی‌مآب، و تکامل آن‌ها به سکه‌های ساسانی، هنوز نیازمند تحقیقات مفصل‌تر و عمیق‌تر است. مسائلی مانند معنی دقیق نوشته‌های روی سکه‌ها و حتی نام واقعی بسیاری از پادشاهان (کسانی که از طرف **آلرام** شاه ناشناخته‌ی اول و دوم و سوم[۳۲] نام گرفته‌اند) هنوز حل نشده باقی مانده و نیازمند تحقیقات جدیدتر و بهتر هستند.

پی‌نوشت

1. J. Yardley and W. Heckel. *Justin: Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus: Volume I: Books 11-12: Alexander the Great*. vol. 1, Oxford: Oxford University Press, 1997.

2 . Fl. Arianus, *History of Alexander and Indica*, Loeb Classical Library 236, tr. E. I. Robson, Harvard: Harvard University Press, 1929.

۳. اولین منبعی که از شاهان پارس نام می‌برد «گردش در دریای اریتره»، یک سفرنامه در مورد اقیانوس هند است.

The Periplus Maris Erythraei: Text with Introduction, Translation, and Commentary, by L. Casson, Princeton, 1989.

از شاهان پارس در نوشته‌های پراکنده‌ی یونانی و تاریخ‌نامه‌ی سریانی اَربِلا نیز نام برده شده است.

Felix Jacoby, *Die Fragmente der griechischen Historiker*, rev. ed., 3 vols. in 15 parts, Berlin, 1950-63; Meshiha Zekha, *Die Chronik von Arbela*, ed. and tr. P. Kawerau, Corpus Scriptorum Christianorum 467-68, 2 vols., Leuven, 1985.

4. R. Altheim-Stiehl, "Das früheste Datum der sasanidischen Geschichte, vermittelt durch die Zeitangabe der mittelpersisch-parthischen Inschrift aus Bīšāpūr," *AMI*N.F. 11, 1978, pp. 113-116.

5. G. F. Hill, *Catalogue of the Greek Coins of Arabia, Mesopotamia, and Persia*. London: British Museum, 1922.

6. A. Panaino, "The bayān of the Fratarakas: Gods or 'Divine' Kings?" in: C. G. Cereti, M. Maggi and E. Provasi (eds.), *Religious Themes and Texts of Pre-Islamic Iran and Central Asia. Studies in Honour of Professor Gherardo Gnoli on the Occasion of His 65th Birthday on 6th December 2002*, Wiesbaden, 2003, pp. 265–288.

7. F. Justi, *Iranisches Namenbuch*. Marburg: NG Elwert, 1895.

8. J. de Morgan, *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquite et du Moyen Age,* Paris: P. Geuthner, 1923.

9. E. Th. Newell, *The Coinage of the Western Seleucid Mints from Seleucus I to Antiochus III*, No. 4, American Numismatic Society, 1941.

10. G. C. Miles, "Excavation Coins from the Persepolis Region", *Numismatic Notes and Monographs No. 143,* New York, NY: American Numismatic Society, 1959.

11. C. M. Kraay, M. Thompson, and O. Markholm, *An Inventory of Greek Coin Hoards*, New York, NY: American Numismatic Society, 1973, pp. 256-259.

12. M. Mitchiner, *Oriental Coins, the Ancient and Classical World,* London: Hawkins Publications, 1978.

13. R. Göbl, "Pars Pro Toto? Zur Frage Der Notwendigen Bandbreite Von Untersuchungen Mit Numismatischer Basis", *Litterae Numismaticae Vindobonenses 2,* Wien: Osterreichischen Akademie Der Wissenschaften, 1983.

14. D. Sellwood, "Numismatics, Minor States in Southern Iran," *The Cambridge History of Iran, Volume 3/1*, London: Cambridge University Press, 1983.

15. M. Alram, *Iranisches Personennamenbuch: Nomina Propria Iranica in Nummis,* Wien: OeAW, 1986.

16. R. Shayegan, "Nugae Epigraphicae," In: *Festschrift for Prods Oktor Skjærvø*, edited by N. and U. Sims-Williams, Bulletin of the Asia Institute 19, Bloomfield Hills, MI: Bulletin of the Asia Institute 2005 [2009], pp. 169–179.

17. M. Alram, "Eine Neue Drachme Des Vahbarz (Oborzos) Aus Der Persis?," *Litterae Numismaticae Vindobonenses 3,* Wien: OeAW, 1987.

18. J. Wiesehöfer, *Die ‚dunklen Jahrhunderte' der Persis: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur von Fārs in frühhellenistischer Zeit (330–140 v. Chr.)*, Zetemata 90, Munich, 1994.

19. Darēv

20. P. O. Skjærvø, "The Joy of the Cup: A Pre-Sasanian Middle Persian Inscription on a Silver Bowl," *Bulletin of the Asia Institute* N.S. 11, 1997 [2000], pp. 93-104.

21. P. Callieri, "At the Roots of Sasanian Royal Imagery: The Persepolis Graffiti," in: *Eran ud Aneran: Studies Presented to B. I. Maršak on the Occasion of His 70th Birthday*, ed. M. Compareti et al., Venice, 2006, pp. 129-148.

22. O. D. Hoover, "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins," in: A. Houghton, C. Lorber and O. Hoover (eds.), *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue Part 2: Seleucus IV through Antiochus XIII*, 2 vols., New York and Lancaster, PA. 2008, pp. 209–230.

23. Hoover, 2008, p. 214ff.

24. V. Sarkhosh Curtis, "The Frataraka Coins of Persis: Bridging the Gap between Achaemenid and Sasanian Persia," in: J. Curtis and St. J. Simpson (eds.), *World of Achaemenid Persia,* London: I. B. Tauris, 2010, pp. 379-396.

25. D. O. A. Klose, "Statthalter, Konige, Rebellen," *Numismatisches Nachrichtenblatt* 54, 2005, pp. 93–103.

26. W. Mueseler, "Die sogenannten dunklen Jahrhunderte der Persis," *Jahrbuch für Numismatik und Geldgeschichte* 55/56, 2005-2006, pp. 75–103.

27. E. Haerinck and B. Overlaet, "Altar Shrines and Fire Altars? Architectural Representations on Frataraka Coinage," *Iranica Antiqua* 43, 2008, pp. 207–233.

28. D. O. A. Klose and W. Museler, *Statthalter und Rebellen Könige. Die Münzen aus Persepolis von Alexander dem Grossen zu den Sasaniden*, Staatliche Munzsammlung Munchen, 2008.

29. Panaino, 2003, pp. 265–288.

30. A. Houghton and C. Lorber, *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue*, vol. 1: *Seleucus I through Antiochus III*, Lancaster, PA and London.

31. P. Naster, "Note d'epigraphie monetaire de Perside: fratakara, frataraka ou fratādara?" *Iranica Antiqua* 8, 1968, pp. 74–80.

32. K. Rezakhani, "The 'Unbekannter König III' and the Coinage of Hellenistic and Arsacid Persis," *International Journal of Iranian Studies (NIB) 15*, 2010.